

## سازمان همکاری شانگهای؛ جامعه امن نوظهور

دکتر نوذر شفیعی<sup>۱</sup>

زهرا محمودی<sup>۲</sup>

سازمان شانگهای پنج که در آوریل ۱۹۹۶ با هدف حل و فصل اختلافات مرزی میان چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان تشکیل شده بود، طی پنج اجلاس توانست با گسترش حوزه کاری خود از مسائل مرزی به سوی موضوعات سیاسی-امنیتی و اقتصادی، پذیرش ازبکستان و در نهایت تشکیل سازمان همکاری شانگهای به مهمترین سازمان منطقه‌ای در منطقه آسیای مرکزی تبدیل شود. اکنون بعد از گذشت نزدیک به ده سال از تاسیس سازمان همکاری شانگهای این سازمان توانسته است با گسترش اعضای خود و پذیرش مغولستان، جمهوری اسلامی ایران، هند و پاکستان به عنوان اعضا ناظر، برگزاری مانورهای مشترک نظامی، بسط و توسعه فعالیت‌های خود برای مبارزه با آن چه سه نیروی شیطانی (تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گرایی) نامیده می‌شود، موجب تکوین نوعی جامعه امنیتی در میان کشورهای عضو گردد. سوال اصلی که این مقاله در صدد پاسخگویی به آن می‌باشد این است که سازمان همکاری شانگهای در کدام یک از مراحل سه گانه جامعه امن (نوظهور، بالنده، بالغ) قرار دارد؟ فرضیه مقاله این است که جامعه امنیتی میان اعضاء سازمان همکاری شانگهای در حال حاضر در مرحله جامعه امن نوظهور قرار دارد؛ بدین معنی که سازمان توانسته است با شناسایی متقابل دیپلماتیک، برقراری برابری حقوقی میان اعضاء، ترویج درک مشترک از تهدید علیه امنیت دولت‌های عضو، برقراری مکانیسم‌های اعتماد سازی و ایجاد تمهیداتی مشترک برای حل تعارضات به نوعی رژیم امنیتی ضمنی دست یابد که طی آن اعضاء ضمن تقویت ذهنیت عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، توسل یا تهدید به زور در حوزه روابط متقابل را نیز حذف نمایند.

**واژگان کلیدی:** سازمان همکاری شانگهای، همگرایی، جامعه امن نوظهور، جامعه

امن سست پیوند، هویت.

---

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

## مقدمه

با پایان جنگ سرد، عرصه روابط بین‌الملل شاهد گسترش سازمان‌های منطقه‌ای با هدف همکاری‌های امنیتی در سطح جهان بوده است که عمدتاً بر خورداری از درگیری و نیز محدودسازی تنش‌های نظامی میان کشورهای همسایه متمرکز شده‌اند. (Bailes, Baranovsky, Dunay, 2007: 165) در همین راستا و به موازات رشد و تقویت همکاری‌ها در سطح جهان و در امتداد پدیده همگرایی در منطقه‌ای که کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان قرار دارند، سازمان شانگهای پنج در سال ۱۹۹۶ شکل گرفت که با پذیرش ازبکستان در سال ۲۰۰۱ به سازمان همکاری شانگهای<sup>۱</sup> تبدیل شد. بر اساس منشور این سازمان، تقویت اعتماد، حسن همجواری، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم تجاوز، عدم مداخله در امور داخلی، عدم کاربرد زور علیه یکدیگر جزء اهداف این سازمان اعلام شد. در خلال اجلاس‌های بعدی، مبارزه علیه شر سه‌گانه ( تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی)، مقابله با تجارت مواد مخدر و حمایت از ثبات رژیم‌ها به منظور تقویت امنیت منطقه‌ای و ثبات داخلی نیز در زمره مهمترین اهداف سازمان همکاری شانگهای قرار گرفت. با توجه به مجموع اهداف مطرح شده می‌توان شاهد شکل‌گیری جامعه امنیتی<sup>۲</sup> در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای بود که طی آن مناقشات و مشکلات پیش آمده میان آنها با روشی غیر از جنگ و نبرد فیزیکی مرتفع خواهد شد.

با توجه به وجود انواع جوامع امن ( سفت‌پیوند<sup>۳</sup>، سست‌پیوند<sup>۴</sup>)، سه مرحله متفاوت از توسعه و پیشرفت آنها نیز مطرح شده است: مرحله اول؛ جامعه امن نوظهور<sup>۵</sup>. مرحله دوم؛ جامعه امن بالنده<sup>۶</sup>. مرحله سوم؛ جامعه امن بالغ<sup>۷</sup>. نوشتار حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که سازمان همکاری شانگهای در حال حاضر به کدام یک از مراحل سه‌گانه

<sup>۱</sup>. The Shanghai Cooperation Organization (SCO)

<sup>۲</sup>. Security Community

<sup>۳</sup>.Tightly - Coupled

<sup>۴</sup>. Loosely- Coupled

<sup>۵</sup>. Nascent

<sup>۶</sup>. Ascent

<sup>۷</sup>. Mature

---

جوامع امن تعلق دارد؟ برای پاسخ به این سؤال ضروری است، ابتدا چارچوب نظری در خصوص جامعه امن ترسیم شود. در بخش بعدی به عوامل تکوین و رشد جامعه امن در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای می‌پردازیم. در گام بعدی جامعه امن سست پیوند و سفت پیوند و سنخیت آنها با سازمان همکاری شانگهای مطرح می‌شود و در نهایت به بررسی سازمان همکاری شانگهای به مثابه جامعه امنیتی نوظهور خواهیم پرداخت. نوع تحقیق در این پژوهش، توصیفی \_ تحلیلی و روش تحقیق آن اسنادی می‌باشد.

### بهره اول: چارچوب نظری

وجود زمینه‌های اختلاف و درگیری میان دولت‌ها موجبات قطع دیپلماسی را فراهم می‌آورد، اما گاهی در خلال اختلافات شدید بین دولت‌ها و حتی بعد از بروز چندین جنگ بین دو یا چند کشور، دیپلماسی بسیار فعال شده و مذاکرات برای حل اختلافات شروع می‌شود. در مرحله بعد برای این که این مذاکرات و سازش‌ها دایمی شده و روند صلح ادامه یابد، نهادها و دستگاه‌های دائمی برای پیگیری و نهادینه ساختن شیوه‌های مسالمت‌آمیز در رفتار دولت‌ها تاسیس می‌شوند. لذا می‌توان گفت که هدف از تاسیس بسیاری از سازمان‌هایی که توسط دولت‌های ملی ایجاد می‌شوند در درجه اول، همکاری برای رسیدگی به پیامدهای جنگ، پیش‌بینی و پیش‌گیری از جنگ، برقراری ثبات، صلح و امنیت بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی می‌باشد و در گام بعدی این سازمان‌ها به توسعه کمی و کیفی ملت‌ها می‌پردازند و این مهم را از جهت تامین امنیت بیشتر و صلح پایدار لازم می‌دانند. در این میان، یکی از مسائل بنیادین و مطرح در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، ایجاد شرایطی است که طی آن روابط پایدار مسالمت‌آمیز در میان دولت‌های عضو تکوین و گسترش یابد به نحوی که معمای امنیت<sup>1</sup> در روابط فی مابین مرتفع شده و گزینه جنگ میان آنها حذف گردد. به زعم تحلیلگران روابط بین‌الملل، ایده جامعه امن که توسط کارل دوویچ مطرح و بعدها توسط امانوئل آدلر و بارنت احیا و تعدیل گردید برای نظریه کردن این سنخ از روابط کارگشا می‌باشد.

از نظر دوویچ یک جامعه امن، جامعه‌ای است که بین اعضای آن هرگز نبرد فیزیکی روی نمی‌دهد، بلکه آنها مناقشات خود را به روش‌های دیگری حل و فصل می‌کنند. به بیان

---

<sup>1</sup>. Security Dilemma

---

دیگر، اعضای یک جامعه امن هرگز نباید زمینه بروز جنگ و درگیری علیه اعضای دیگر را فراهم سازند. از این منظر، روابط میان اعضای سازمان همکاری شانگهای را می‌توان با استناد بر اصولی مانند شناسایی متقابل دیپلماتیک، ترویج درک مشترک از تهدید علیه امنیت دولت‌های عضو، برقراری مکانیسم‌های اعتمادسازی و ایجاد تمهیداتی مشترک برای حل تعارضات و حذف توسل یا تهدید به زور در روابط متقابل در مقوله جامعه امن قرار داد.

بر اساس نظر دویچ، دو نوع جوامع امن وجود دارد: نوع ادغام‌شده<sup>۱</sup> و نوع کثرت‌گرا<sup>۲</sup>؛ در یک جامعه امن ادغام شده، دو یا چند واحدی که سابقاً مستقل بودند با هم ادغام می‌شوند و یک واحد بزرگتر را به وجود می‌آورند که دارای یک دولت واحد است. (بلامی، ۱۳۸۶: ۲۰) لذا ما با یک حکومت واحد و حاکمیتی واحد مواجه هستیم؛ مانند ایالات متحده آمریکا و بریتانیا. باید در نظر داشت که برای ادغام کامل لازم است که واحدهای سیاسی دیگر، دولت حاکم نباشند یا اصلاً دولت نباشند و روابط میان آنها به روابط داخلی میان بخش‌های مختلف یک دولت تبدیل شود. در مقابل واحدهایی که یک جامعه امن کثرت‌گرا را تشکیل می‌دهند، استقلال قانونی دولت رسمی خود را حفظ می‌کنند و ادغامی در میان چندین حکومت با دولت‌های حاکم صورت نمی‌گیرد. مانند روابط نروژ و سوئد و آمریکا و کانادا. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۴۳) پر واضح است که جامعه امن میان اعضای سازمان همکاری شانگهای از نوع کثرت‌گرا می‌باشد.

در ادامه مباحث مربوط به جامعه امن، آدلر و بارنت جهت تکمیل الگوی دویچ، دو نوع جامعه امن سفت‌پیوند و جوامع امن سست‌پیوند را مطرح نمودند. به زعم آنها جامعه امن سست‌پیوند از دولت‌های دارای حاکمیت تشکیل شده است که به دنبال انتظارات معقول هستند نه بیشتر؛ اما جوامع امن سفت‌پیوند دو موضوع را مدنظر دارند: نخست اینکه چنین جوامعی درجه‌ای از همیاری را به نمایش می‌گذارند؛ دوم اینکه آنها به چارچوب مشخصی برای تدبیر امور دست می‌یابند. هر کدام از این دو نوع جامعه یاد شده می‌تواند در سه مرحله متفاوت از توسعه و پیشرفت باشد: جامعه نوظهور، بالنده و بالغ. در جوامع امن نوظهور، دولت‌ها گام‌های نخست بررسی نحوه همکاری در آینده را برمی‌دارند. طبق نظر دویچ این امر زمانی روی می‌دهد که اعضای جامعه از سوی یک دشمن مشترک یا یک جنگ تهدید شده باشند. جوامع بالنده در میان خود شبکه‌های فشرده و در هم تنیده‌ای را به وجود

---

<sup>۱</sup>. Amalgamated Type

<sup>۲</sup>. Pluralistic Type

---

---

می‌آورند. در این جوامع اعتماد دوجانبه عمیق‌تر می‌شود و هویت‌های جمعی<sup>۱</sup> ظهور می‌یابند. ایجاد سازمان‌های مختلف به افزایش تعاملات اجتماعی، شکل‌گیری هویت‌های مشترک و علایق دوجانبه منجر می‌شود. این فرآیندها می‌توانند به ایجاد یک جامعه امن بالغ منتهی شوند. به عقیده آدلر و بارنت در جامعه امن بالغ، بازیگران منطقه‌ای هویت مشترکی دارند و بنابراین پذیرای انتظارات معقول تغییرات صلح‌آمیز هستند. (بلامی، ۱۳۸۶: ۲۵)

همان‌گونه که ذکر شد با عنایت به مکانیسم اعتمادسازی امنیتی میان اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای، خلع سلاح در مناطق مرزی مورد اختلاف اعضا و محو امکان جنگ میان کشورهای عضو را می‌توان در زیر مفهوم جامعه امن قرار داد؛ اما باید در نظر داشت که سنخ جامعه امن مورد نظر کثرت‌گرا، سست پیوند و نوظهور می‌باشد؛ چرا که اولاً، دولت‌های عضو سازمان، استقلال قانونی خود را حفظ کرده و برابری حقوقی میان آنها برقرار می‌باشد. ثانیاً، سنخ روابط میان اعضای سازمان این گزینه را به ذهن متبادر می‌سازد که هنوز صحبت از تکوین هویت مشترک \_ از جنس آنچه که در جوامع امن سفت‌پیوند وجود دارد \_ در میان آنها زود می‌باشد. ثالثاً، با توجه به مدت زمان پدیدایی سازمان همکاری‌های شانگهای، وجود دغدغه‌های مشترک مانند حفظ ثبات منطقه‌ای از طریق مبارزه با سه نیروی شیطانی تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی، تجارت مواد مخدر و اسلحه و جنایات سازمان‌یافته، نگرانی از ناامنی و بی‌ثباتی‌های داخلی در کشورها و به ویژه وقوع انقلاب‌های رنگی و تقابل با نفوذ و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و نیز عدم شکل‌گیری هویت جمعی میان اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای \_ مانند آن چه در جوامع امن بالنده و بالغ وجود دارد \_ جامعه امن کثرت‌گرای سست‌پیوند میان اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای در مرحله جامعه امن نوظهور قرار دارد.

### **بهره دوم: عوامل تکوین و رشد جامعه امن در سازمان همکاری‌های شانگهای**

برای تبیین عوامل تکوین و رشد جامعه امن در سازمان همکاری‌های شانگهای ابتدا به توضیح پیشینه این سازمان می‌پردازیم و در گام بعدی حرکت سازمان مذکور را به سمت جامعه امن بررسی خواهیم کرد.

---

<sup>۱</sup>. Collective Identities

## الف) سازمان همکاری شانگهای؛ پیشینه

اختلافات مرزی معمولاً مشکل‌ترین مساله میان دو یا چند کشور است. طی تاریخ، اختلافات مرزی به درگیری نظامی و حتی جنگ میان کشورها منجر شده است. در خلال جنگ سرد، همین اختلافات موجب بروز درگیری مسلحانه میان چین و شوروی در ۴۶۰۰ مایل خطوط مرزی دو کشور در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شد. در اواسط دهه ۱۹۸۰ به موازات بهبود روابط پکن و مسکو، دو طرف گفتگوی جدی را برای حل اختلافات مرزی شروع کردند که این مذاکرات با دیدار گورباچف در ۱۹۸۹ از چین به اوج خود رسید. با این وجود تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مسایل مرزی کماکان لاینحل باقی ماندند. بسیاری از ساکنان چین و آسیای مرکزی تمایلی به مصالحه بر سر مرزهای کشورشان نداشتند ولی به رغم این زمینه منفی، چین و کشورهای آسیای مرکزی با جسارت گفتگوهای مرزی را تا حل دائمی آن ادامه دادند. (شفیعی، ۱۳۸۵: ۵۹) در نتیجه توافقنامه‌هایی که طی سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ بین چین و روسیه منعقد گردید، خطوط مرزی بین دو کشور تنظیم گردید. در ادامه روند فوق، سه کشور تازه استقلال یافته هم‌مرز با چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در مذاکرات مرزی بین چین و روسیه شرکت کردند و سرانجام در ۲۶ آوریل سال ۱۹۹۶ و در شهر شانگهای چین پنج کشور مذکور توافقنامه‌ای را تحت عنوان توافقنامه اعتمادسازی در مناطق مرزی و با هدف تقویت اعتماد متقابل و خلع سلاح در طول مرزهای طولانی یکدیگر به امضاء رساندند و گروه شانگهای پنج را تاسیس کردند. بر اساس موافقتنامه ۱۹۹۶ با عنوان "توافقنامه شانگهای در مورد افزایش اعتماد نظامی در مناطق مرزی"، اعضاء متعهد شدند که از حمله یا درگیری در مناطق مرزی خودداری ورزند از مانورهای نظامی که تهدیدی علیه یکدیگر باشد احتراز کنند، حجم و گستردگی و تعداد دروس آموزش‌های نظامی را کاهش دهند، یکدیگر را از عملیات نظامی که قصد دارند تا عمق یکصد کیلومتری مرزهای مشترک به انجام برسانند، قبلاً آگاه سازند و از مقامات نظامی همسایگان برای نظارت دعوت به عمل آورند. (Tao, 2002) بر اساس مکانیسم شانگهای پنج، چین یک موافقتنامه مرزی با قرقیزستان در جولای ۱۹۹۶ امضاء کرد که باعث حل و فصل مسایل مرزی دو کشور در طول ۸۵۸ کیلومتر مرز مشترک گردید. (Azakan, 2010: 398) یک سال بعد، یعنی در سال ۱۹۹۷ در اجلاس سران در مسکو دو سند دیگر با هدف ارتقای سطح امنیت نظامی و کاهش

---

نیروی نظامی در مناطق مرزی امضاء به امضاء رسید؛ لیکن در خلال نشست‌های سالانه و منظم سران به تدریج موضوعات مورد علاقه از امنیت مرزها به همکاری سودمند در بخش‌های سیاسی، امنیتی، دیپلماتیک، اقتصادی و تجارت گسترش یافت.

در پنجمین اجلاس سران در شانگهای چین در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ کشورهای عضو شانگهای پنج با پیشنهاد جیانگ زمین با پذیرش عضویت جمهوری ازبکستان - که عضو ناظر سازمان در اجلاس سران سال ۲۰۰۰ بود- به عضویت کامل، مشترکاً تشکیل سازمان همکاری شانگهای را با هدف تقویت اعتماد و تشویق غیرنظامی‌سازی مناطق مرزی اعلام نمودند. (Oksuz,2009:715) در اجلاس سران در سنت پترزبورگ در ژوئن ۲۰۰۲ نیز ساختار سازمانی سازمان همکاری شانگهای مورد تصویب قرار گرفت که در آن تشکیلات حقوقی، سیاسی، اصول و اهداف سازمان پیش‌بینی شده است.

به زعم بسیاری از کارشناسان، دلایل تشکیل سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در دو سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بررسی نمود. عواملی نظیر فروپاشی نظام دو قطبی، دورنمای مبهم ساختار جدید بین‌المللی، تلاش آمریکا برای تثبیت نظام تک قطبی، گسترش ناتو به شرق، لزوم اتخاذ تصمیمی جهت تدوین قواعد جدید و شکل دادن به نظام بین‌المللی برای کسب حداکثر منافع در سطح بین‌المللی قرار می‌گیرند و دلایلی همچون جنگ در افغانستان، ناآرامی‌های داخلی تاجیکستان و نگرانی مشترک اعضای سازمان از جنبش‌های رادیکال اسلامی در سرزمین خود و اطراف مرزهایشان در سطح منطقه‌ای جا می‌گیرند. بر اساس منشور سازمان همکاری شانگهای اهدافی نیز برای این سازمان مطرح گردید از جمله: اجتناب از منازعه بین اعضاء به دلیل روابط متشنج چین و شوروی که منجر به حضور گسترده نیروهای نظامی در مرزهای دو کشور شده بود و عدم اطمینان ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل دولت‌های مستقل با مرزهای تشنج‌زا، تقویت امنیت منطقه‌ای و ثبات داخلی از طریق مبارزه با ترسناکانه جدایی‌طلبی، تروریسم، مواد مخدر و احترام به قرارداد موشک ضد بالستیک.

با پیوستن مغولستان در ژوئن ۲۰۰۴ و هند و پاکستان و جمهوری اسلامی ایران در ژوئن ۲۰۰۵ به سازمان همکاری شانگهای به عنوان اعضای ناظر که در راستای سخنان ولادیمیر پوتین رئیس جمهور وقت روسیه که اعلام کرد: گروه شانگهای پنج یک باشگاه

---

بسته نیست و برای عضویت سایر کشورها باز است (Radyuhin,2000:1)، این سازمان از منظر دامنه ابعاد بیشتری یافت.

### ب) حرکت سازمان همکاری شانگهای به سمت جامعه امن

گرایش به سوی همگرایی در منطقه آسیای مرکزی که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آغاز گردید با پشت سر گذاردن مراحل مختلف در نیمه نخست از دهه حاضر وارد مرحله جدیدی شده است. کشورهای منطقه به ویژه جمهوری‌های سابق شوروی که در طول نیم قرن گذشته نوعی تجربه تلخ و ناموفق از به هم پیوستگی اجباری و مبتنی بر یک نظم آهنین تحمیلی را پشت سر گذارده بودند با توجه به واقعیات موجود و در پرتو شرایط تازه خواهان آن بودند که در یک بستر طبیعی و بر پایه مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی خود در مسیر همگرایی گام بردارند. وجود مسایل و موضوعات مشترک در میان این کشورها از جمله: تاخیر در اجرای اصلاحات اقتصادی با جهت‌گیری اقتصاد بازاری، فضای نامناسب سرمایه‌گذاری و تجارت، توزیع ناعادلانه درآمد، فقر گسترده، تجارت مواد مخدر، مدیریت مناسبات مرزی، دستیابی به تنوع اقتصادی، افزایش تجارت درون منطقه‌ای، دستیابی به بازارهای جهانی و بهره‌برداری مناسب از منابع طبیعی، مبارزه علیه تروریسم و جنایات بین‌المللی، نگرانی از اسلام رادیکال، تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، زمینه و بسترهای مناسبی را برای توسعه مناسبات ایجاد نمود. در این میان، ایجاد سازمان‌های جدید با هدف گسترش همکاری‌ها و تعمیق روابط بیشتر مورد توجه قرار گرفت. این مسئله در حالی بود که تلاش‌های چندی نیز در این زمینه برای نهادینه‌سازی همکاری‌های رسمی در منطقه صورت گرفته بود از جمله تاسیس جامعه اقتصادی آسیای مرکزی<sup>۱</sup>، سازمان همکاری اقتصادی<sup>۲</sup>، همکاری اقتصادی منطقه‌ای آسیای مرکزی<sup>۳</sup>، جامعه اقتصادی اوراسیا<sup>۴</sup>. اما بسیاری از این قبیل اقدامات به دلیل وجود رقابت‌ها و تنش‌ها در میان دولت‌های منطقه در رسیدن به اهداف تاسیس خود باز ماندند. (Azakan,2010: 403) با این حال جدیت و اراده کشورهای منطقه در مسیر همکاری نه تنها متوقف نشد، بلکه به

---

<sup>1</sup>. Central Asian Economic Community (CAEC)

<sup>2</sup>. Economic Cooperation Organization (ECO)

<sup>3</sup>. Central Asia Regional Economic Cooperation (CAREC)

<sup>4</sup>. Eurasian Economic Community (EURASEC)



---

---

شکل حرکت به سوی همگرایی بر مبنای همکاری میان کشورهای منطقه و بدون حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای - به عنوان طبیعی‌ترین مکانیسم و کوتاه‌ترین راه برای همگرایی منطقه‌ای در آسیای مرکزی - متبلور گردید و توانست خود را در قالب سازمان همکاری شانگهای بیش از پیش نمایان سازد.

با توجه به اهداف و اصولی که در منشور و بیانیه تشکیل سازمان همکاری شانگهای مطرح شده است، مانند این که اعضا در وضعیت‌های اخلاقی از یکدیگر حمایت کرده و در محافظت از حاکمیت، امنیت و انسجام سرزمینی تلاش خواهند کرد، آنها به هیچ اتحادیه یا سازمان بین‌المللی نخواهند پیوست، اجازه نخواهند داد که سرزمین آنها مورد استفاده برای تضعیف حاکمیت، امنیت و انسجام سرزمینی دیگر اعضا شود. فعالیت سازمان‌ها یا گروه‌هایی که تهدیدکننده منافع دیگر اعضا است در خاک خود ممنوع خواهند کرد. کشورهای عضو سعی خواهند کرد برای تداوم و تقویت همکاری و هماهنگی در امور بین‌المللی و منطقه‌ای، دیدگاه‌های مشترکی در موضوعاتی که بر منافع اعضا سازمان تاثیر می‌گذارد، اتخاذ کنند، می‌توان به موازات اعتقاد ولادیمیر پوتین که تاسیس این سازمان را به نقطه آغاز یک شبکه امنیتی آسیایی تعبیر می‌کرد ( اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۹۹)، صحبت از تکوین نوعی از جامعه امنیتی با مساحت ۳۰۱۸۹۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی در حدود یک میلیارد و ۴۵۵ میلیون نفر در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای نمود؛ چرا که بر اساس مبانی نظریه جامعه امن، اعضای این جامعه هرگز نباید زمینه بروز جنگ و درگیری علیه اعضای دیگر را فراهم سازند لذا میان آنها جنگی رخ نمی‌دهد و یا توسل به زور از ابزارهای تنظیم روابط و تامین اهداف در درون جامعه در حال حذف شدن است.

در این راستا دویچ معتقد است که یک جامعه امن ( مانند سایر جوامع) در نتیجه تعامل بین بازیگران شکل می‌گیرد. یک قاعده رفتاری در بطن یک جامعه امن که معتقد است اعضا آن جامعه نباید زمینه بروز جنگ با یکدیگر را فراهم سازند، نمی‌تواند تنها توسط یک قانون رسمی یا ایجاد سازمان‌های مختلف خلق شود. البته نمی‌توان نقش این دو مورد را در بنا نهادن و تقویت قواعد رفتاری انکار کرد. باید گفت که قواعد از طریق یک روند تعاملی که در آن عوامل مادی و غیر مادی در هم می‌آمیزند، توسعه می‌یابند. از یک‌سو، دولت‌ها برای ایجاد قاعده جامعه امن همواره باید از فراهم کردن زمینه جنگ با یکدیگر بپرهیزند. از سوی دیگر، آنها باید هر چیزی را که در این راه می‌خواهند انجام بدهند، اعلام

نمایند. ( بلامی، ۱۳۸۶: ۲۳) این گونه است که می توان از وجود جامعه امن در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای سخن گفت؛ چرا که آنها آموخته اند که هر اختلافی میان آنها از طریق گفتگو قابل حل است و این اختلافات مانع همکاری آنها نخواهد شد. همان گونه که اعضای یک جامعه امن دارای دشمن مشترک و تهدید مشترک می باشند که در مقابل آن به اتخاذ تصمیم جمعی روی می آورند، کشورهای عضو سازمان شانگهای نیز دارای برخی از نگرانی ها و ملاحظات امنیتی مشابه می باشند که امنیت ملی آنها را به طور مشترک در معرض مخاطره قرار می دهد. به همین دلیل است که با شناخت و حل این ملاحظات آنها می توانند به دوام و بقای هر چه بیشتر جامعه امن میان خودشان امیدوار باشند. (بیلز، بارانووسکی و دانی 2007:186)، دستور کار امنیتی سازمان همکاری شانگهای را به دو بخش تقسیم کرده اند: (۱) اعتمادسازی دوجانبه، برقراری ثبات و اجتناب از درگیری و (۲) مقابله با تهدیدات غیرسنتی از قبیل تروریسم بین الملل و شورش ها و اعتراضات داخلی. اما با بررسی اقدامات و بیانیه های شانگهای پنج و سازمان همکاری شانگهای، می توان حفظ ثبات منطقه ای و مقابله با نفوذ قدرت های غربی به ویژه آمریکا در منطقه را به عنوان تهدیدات و دغدغه های امنیتی مشترک اعضاء سازمان شناسایی کرد که در ادامه به بررسی آنها می پردازیم.

#### ۱- حفظ ثبات منطقه ای

حفظ ثبات منطقه ای که با یک "تعریف مشترک" هدف تمامی اعضای سازمان است از سوی چند عامل مورد تهدید واقع شده است. اولین عامل که از آن به عنوان شر سه گانه یاد می کنند، شامل تروریسم، جدایی طلبی و بنیادگرایی می شود که مبارزه علیه آنها اولویت اصلی سازمان را نیز تشکیل می دهد.

**الف) مبارزه با تروریسم:** اعضای شانگهای پنج، دو سال قبل از حمله تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا، بررسی کنوانسیون شانگهای در مبارزه علیه تروریسم را شروع کرده بودند که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید. البته رویکرد سازمان به مسئله تروریسم بسیار گسترده تر از رویکرد آمریکا و متحدان آن است. در حالی که آمریکا بر فعالیت های نظامی علیه مراکز تروریسم بین الملل تاکید کرده و به کشورهای حامی تروریسم حمله می کند، اعضای سازمان همکاری شانگهای یک ارتباط مستقیم بین تروریسم از یک سو و جدایی طلبی و بنیادگرایی از سوی دیگر برقرار می کنند. در حالی که اعضای

---

سازمان اقدامات خود را بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ با آمریکا در مبارزه علیه تروریسم هماهنگ کرده‌اند، اما در عین حال می‌توانند بر طبق برنامه و منافع خود و ایجاد ارتباط بین تروریسم با جدایی‌طلبی و بنیادگرایی، علیه شرهای سه‌گانه نیز به مبارزه بپردازند. (Lukin, 2007) بر همین اساس و برای پاسخگویی به این ملاحظات، اعضای سازمان یک نیروی واکنش سریع را به عنوان یک مرکز ضد تروریسم در بیشکک قرقیزستان ایجاد کردند و ساختار ضد تروریستی منطقه‌ای<sup>۱</sup> را در آوریل ۲۰۰۳ با هدف هماهنگ‌سازی فعالیت‌های اعضا تأسیس کردند. اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای همچنین به دلیل دارا بودن مرزهای مشترک طولانی با یکدیگر (مثلاً روسیه دارای ۷۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با قزاقستان است که طولانی‌ترین مرز مشترک زمینی در جهان محسوب می‌شود) مانورهای نظامی و امنیتی متعددی با یکدیگر علیه تروریسم برگزار کرده‌اند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۹۹) از جمله، تمرین مشترک چین و قرقیزستان در ۲۰۰۲، تمرین چندجانبه تمام اعضا به جز ازبکستان در ۲۰۰۳ که مرحله اول آن در قزاقستان با حضور نیروهای قرقیزستان، قزاقستان و روسیه و مرحله دوم آن در استان سین‌کیانگ چین با حضور نیروهای چین و قزاقستان برگزار شد. همچنین، برگزاری مانورهای مشترک ماموریت صلح در اوت ۲۰۰۵ و تمرین چند جانبه به میزبانی ازبکستان در ۲۰۰۶ با تأکید بر نقش نیروهای ویژه و مانور ماموریت صلح در آگوست ۲۰۰۷ که از استان خود مختار سین‌کیانگ چین شروع شد و تا بخش چلیابینسک اولباست<sup>۲</sup> روسیه امتداد داشت. (Azarkan, 2010: 405) برنامه‌های مشترک ضد تروریستی نیز در محدوده کشورهای عضو سازمان در رابطه با همکاری در زمینه کشف و انسداد کانال‌های نفوذ افرادی که در اقدامات تروریستی فعالیت دارند به امضاء رسیده است. (زاهدی انارکی، ۱۳۸۵: ۶۳)

**ب) مبارزه با جدایی‌طلبی:** اصل مبارزه با جدایی‌طلبی نیز که یکی از اصول سه‌گانه مهم این سازمان محسوب می‌شود که برای کشورهای عضو از جاذبه زیادی برخوردار است چرا که چین از دهه ۱۹۷۰ با شورش‌های ترکان مسلمان ایغور در استان سین‌کیانگ در غرب این کشور مواجه است. این در حالی است که ثبات در این استان برای چین اهمیت زیادی دارد. استان سین‌کیانگ شامل سه حوزه مهم نفتی تورفان، جانگر و تاریم می‌باشد که تخمین زده می‌شود مقدار زیادی نفت داشته باشد. همچنین تعداد زیادی پایگاه و مرکز آزمایش سلاح‌های

---

<sup>۱</sup> . Regional Anti Terrorism Structure(RATS)

<sup>۲</sup> . Chelyabinsk Olbast

---

هسته‌ای مربوط به ارتش آزادی بخش در این استان وجود دارد که در صورتی که منطقه به کنترل ایغورها درآید مورد تهدید قرار خواهد گرفت. ( طاهری امین، ۱۳۸۱: ۱۰۹) علاوه بر این، چین با استناد به اصل مبارزه با جدایی طلبی می‌تواند با جدایی تایوان و اعلام استقلال آن به عنوان یک کشور مستقل، مخالفت کرده و از دخالت‌های قدرت‌های خارجی به ویژه آمریکا در این قضیه ممانعت به عمل آورد. روسیه نیز مورد مشابهی دارد و با معضل جدایی طلبی در چین مواجه می‌باشد. این در حالی است که حضور مسلمانان رادیکال در دیگر جمهوری‌های خودمختار در قفقاز شمالی نظیر داغستان نیز رو به افزایش است. رهبران روسیه نگران عکس‌العمل‌های زنجیره‌ای در میان مسلمانان این کشور می‌باشند. به علاوه خطر شورش‌های مسلمانان در آسیای مرکزی بیشتر خواهد شد.

**ج) مبارزه با افراط گرایی:** سازمان همکاری شانگهای به کشورهای عضو کمک کرده است تا از گسترش بنیادگرایی مذهبی در منطقه جلوگیری کنند. پس از پایان جنگ سرد، افراط‌گرایی اسلامی در منطقه رشد کرد و چهره تهاجمی به خود گرفت. این مساله در حالی است که همه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از روند توسعه اسلام‌گرایی در منطقه تاثیر می‌پذیرند به همان میزان که اسلام‌گرایی در منطقه رشد می‌کند، تهدید آن علیه اقتدار سیاسی کشورهای منطقه افزایش می‌یافت. به دلیل نزدیکی این منطقه به افغانستان که کانون بنیادگرایی اسلامی بود، جنگ‌های داخلی در تاجیکستان شروع شد و به تدریج تاثیر خود را بر ازبکستان، قرقیزستان، روسیه و حتی قزاقستان و چین بر جا گذاشت. فعالیت‌های جنبش اسلامی ازبکستان و حزب‌التحریر در منطقه از جمله موارد قابل ذکر در این زمینه می‌باشد. به همین دلیل مبارزه با بنیادگرایی مذهبی به یک دغدغه مهم برای این کشورها تبدیل شده است. ( شفیع، ۱۳۸۵: ۶۰)

**د) مبارزه با تجارت مواد مخدر و اسلحه و جنایات سازمان یافته:** دومین عامل بی‌ثباتی در منطقه بعد از شرهای سه‌گانه مواردی چون تجارت مواد مخدر و اسلحه و جنایات سازمان یافته است. این در حالی است که آسیای مرکزی شاهراه ارتباطی برای صدور مواد مخدر از افغانستان به اروپا و روسیه محسوب می‌گردد و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نگران منافع و سودهای کلان ناشی از تجارت مواد مخدر به عنوان مهمترین منبع مالی گروه‌های مبارز اسلامی در منطقه می‌باشند. ( Azarkan, 2010: 405) به عقیده اعضای سازمان، میزان تولید مواد مخدر بعد از ورود نیروهای ائتلاف مبارزه علیه

---

تروریسم به افغانستان بیشتر شده است و دولتمردان کابل و نیروهای حامی آنها یا تمایلی برای حل این معضل ندارند یا اینکه توانایی تغییر این شرایط را ندارند. از اینرو افزایش جریان انتقال مواد مخدر از افغانستان به کشورهای همسایه، تهدیدات جدیدی علیه امنیت آنها مطرح ساخته است. بر این اساس، اعضاء یک موافقتنامه همکاری برای مقابله با تجارت غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان‌گردان در سال ۲۰۰۴ امضا کردند. (Lukin,2007)

ه) **مبارزه با ناامنی و بی‌ثباتی‌های داخلی:** سومین نگرانی امنیتی مشترک در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای، متغیر ناامنی و بی‌ثباتی‌های داخلی به ویژه بحث وقوع انقلاب‌های رنگی در کشورهای منطقه است. به زعم شلیندوف<sup>۱</sup>، یکی از دغدغه‌های مهم امنیتی اعضاء سازمان، مسئله ثبات حکومت‌ها و حفظ سیستم سیاسی در مقابل جریان انقلاب‌های مخملین ملهم از حمایت‌ها و ارزش‌های مدنظر ایالات متحده آمریکا می‌باشد. (Amberosio,2008:1322) نگرانی از این امر با وقوع انقلاب مخملی گرجستان در نوامبر ۲۰۰۳، انقلاب نارنجی اوکراین در دسامبر ۲۰۰۴، انقلاب لاله‌ای قرقیزستان در مارس ۲۰۰۵ و حوادث اندیجان در همان سال تشدید شد. (شفیعی و محمودی، ۱۳۸۶: ۱۳۴) به دنبال این حوادث دولتمردان کشورهای آسیای مرکزی متقاعد شدند که آمریکا به دنبال تاسیس رژیم‌های طرفدار غرب به جای رژیم‌های اقتدارگرای منطقه می‌باشد؛ لذا پیگیری سیاست خارجی چند وجهی، رویکردی غیرواقع‌گرایانه ارزیابی گردید. چرا که نگرانی ناشی از تاثیر دو مینوی انقلاب‌های رنگی در منطقه آسیای مرکزی، زنگ خطر را برای رهبران جمهوری‌های آسیای مرکزی در مورد برنامه دموکراتیک قدرت‌های غربی در منطقه به صدا درآورده بود. (دویودی، ۱۳۸۵: ۱۴۲) از آن جایی که هیچ یک از این کشورها به تنهایی قادر به مقابله با ایالات متحده و متحدان آن نبودند، لذا به سازمان همکاری شانگهای به عنوان مکانیسم مناسبی برای نیل به این هدف نگرینسته و تحکیم روابط با مسکو و پکن از طریق همین سازمان را بیش از پیش مورد توجه قرار دادند.

---

<sup>۱</sup>. Shlyndov

---

از دید رهبران کشورهای آسیای مرکزی، سازمان همکاری شانگهای چهار هدف مهم را برآورده می‌کند:

(۱) علاوه بر ایجاد توازن بین دو همسایه قدرتمند و مؤثر یعنی روسیه و چین، باعث محدود شدن جاه‌طلبی‌های ازبکستان برای کسب هژمونی منطقه‌ای است،

(۲) عاملی برای حفظ ثبات و امنیت منطقه است،

(۳) باعث گسترش همکاری‌ها میان اعضاء شده است،

(۴) حمایت از رژیم‌های سیاسی منطقه را بر عهده می‌گیرد. در راستای همین هدف، سازمان همکاری شانگهای همواره بر روی اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها تأکید می‌کند. (Azarkan, 2010: 403) به عنوان مثال در بیانیه تاسیس سازمان، بیانیه ۲۰۰۳ مسکو، بیانیه سران در اجلاس ۲۰۰۵ با تأکید بر احترام به حق کشورها برای انتخاب مسیرهای توسعه خود، به ممنوعیت مداخله در امور داخلی یکدیگر و عدم تعهد به گسترش دموکراسی \_ با تفسیر غربی \_ تأکید شده است که به دولت‌ها امتیاز ویژه‌ای جهت تنظیم سیاست‌های داخلی و دفاع از سیستم سیاسی می‌دهد. سازمان همکاری شانگهای به موازات اتخاذ سیاست‌هایی توسط کشورهای منطقه مبنی بر حفاظت از قدرت سیاسی آنها به طور فزاینده استفاده از همکاری‌های چند جانبه جهت مقابله با تمایلات دموکراسی خواهانه منطقه‌ای یا جهانی را مطرح نموده است. (Amberosio, 2008: 1322)

تقابل با نفوذ آمریکا در منطقه که در شکل مخالفت با روند یک جانبه‌گرایی این کشور نمود بیشتری می‌یابد، دیگر دغدغه امنیتی مشترک اعضای سازمان شانگهای می‌باشد.

## ۲) تقابل با نفوذ و یک جانبه‌گرایی آمریکا

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی عدم توازن در امور جهانی به وجود آمده است به گونه‌ای که هیچ وزنه تعادلی در مقابل تنها ابرقدرت جهانی یعنی ایالات متحده وجود ندارد. بنابراین این کشور یک‌جانبه‌گرایی خود را در هر کجا و هر کاری که مایل باشد از جمله اعمال زور در نیل به اهداف قانونی و غیر قانونی خود به کار می‌برد. این عامل نیاز به نوعی وزنه تعادل در مقابل تنها ابرقدرت یک‌جانبه‌گرا را افزایش می‌دهد و سازمان همکاری شانگهای در حالی که نه ادعا دارد که یک بلوک نظامی است و نه هیچ کشوری را مورد هدف قرار می‌دهد، نماینده یک مرجع قدرتمند در امور جهانی بوده و می‌تواند حداقل به عنوان

---

یک وزنه تعادل در منطقه، توازن برقرار کند. (رحمان، ۱۳۸۵: ۱۲۷) در همین راستا برخی صاحب‌نظران معتقدند به‌رغم این که در بیانیه تاسیس سازمان همکاری شانگهای صادره در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۱ بر این نکته تصریح شده است که سازمان مذکور اتحادیه‌ای علیه کشور یا منطقه دیگری نیست، اما دلایل آشکاری وجود دارد که نشان می‌دهد سازمان همکاری شانگهای به طور روزافزونی در تقابل با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و گسترش حضور و نفوذ آن در آسیای مرکزی قرار می‌گیرد.

در بیانیه پایانی اجلاس سران کشورهای عضو گروه شانگهای پنج که در دوشنبه تاجیکستان در سال ۲۰۰۰ میلادی برگزار شد، بر مخالفت با هژمونی غرب و شکل‌گیری جهانی چند قطبی تأکید به عمل آمد و حمایت کشورهای عضو این گروه از الویت بخشیدن بر جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد و مخالفت آنها با اصل مداخله بشردوستانه اعلام گردید. دلیل اصلی این واکنش جنگ ناتو در یوگسلاوی بدون تصویب شورای امنیت بود. (انارکی، ۱۳۸۵: ۱۴۳) در واقع چین و روسیه که از پایه‌گذاران اصلی سازمان همکاری شانگهای محسوب می‌شوند و درصددند تا از طریق این سازمان، خلاء قدرتی را که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آسیای مرکزی ایجاد شده بود و آمریکا تلاش می‌کرد تا آن را پر کند با حضور قدرتمند خود جایگزین کنند. به بیان دیگر، یک نظم نوین آسیای مدنظر چین و روسیه است که در آن، جایی برای حضور و نفوذ آمریکا و دموکراسی و حقوق بشر و ارزش‌های آمریکایی وجود ندارد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۱۴) بر همین اساس در بیانیه اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در ژوئن ۲۰۰۲ میلادی این کشورها نارضایتی خود را از کاربرد استانداردهای دوگانه در مسئله حقوق بشر، دخالت در امور داخلی سایر کشورها به بهانه دفاع از حقوق بشر اعلام کردند. در ملاقات سران دو کشور در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی در مسکو، ولادیمیر پوتین و هوجین تائو روسای جمهور وقت روسیه و چین بیانیه مشترکی را تحت عنوان "نظم جهانی در قرن بیست و یکم" منتشر کردند که در آن به قدرت‌های خارجی به خاطر تلاش برای اعمال سلطه بر روندهای جهانی هشدار دادند و مخالفت خود را با اقداماتی در خصوص تحمیل مدل‌های توسعه اجتماعی و سیاسی از خارج اعلام نمودند. همچنین دو طرف مجدداً خواسته مشترک خویش را مبنی بر شکل‌گیری جهانی چند قطبی مورد تأکید قرار دادند. تحلیلگران این بیانیه را هشدار آشکار به آمریکا و یک‌جانبه‌گرایی آن دانسته‌اند. بنا به طرح چنین مسائلی است که استفان بلانک، سازمان همکاری شانگهای

---

را ابزار چند جانبه اولیه چین و روسیه برای اجرای سیاست ضد آمریکایی آشکار خود در آسیای مرکزی قلمداد می‌کند، چرا که به عقیده او تردید اندکی در خصوص هدف سازمان همکاری شانگهای در خصوص بیرون راندن آمریکا از این منطقه وجود دارد. (Blank, 2006)

در ادامه روند اتخاذ مواضع تند اعضا سازمان همکاری شانگهای علیه آمریکا در پایان اجلاس سران کشورهای عضو در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی در آستانه پایتخت قزاقستان اعضای این سازمان در بیانیه نهایی خود از ایالات متحده آمریکا خواستند به دلیل کاهش منازعات در افغانستان، جدول زمانی خروج نیروهای خویش را از پایگاه های نظامی خود در کشورهای عضو تنظیم و ارائه کند. در همین راستا دولت ازبکستان اعلام کرد که پایگاه هوایی آمریکا در خان آباد، نباید در جهت اهداف دیگری غیر از حمایت از عملیات جنگی آمریکا در افغانستان مورد استفاده قرار بگیرد و پایگاه هوایی کارشی \_ خان آباد واقع در مرز ازبکستان و پاکستان باید ظرف شش ماه برچیده شود. وزیر دفاع روسیه نیز پیشتر در همین جهت اظهار داشت که روسیه حضور پایگاه های نظامی ناتو را در ازبکستان و قرقیزستان صرفاً برای مدت زمان لازم به منظور جنگ با تروریسم در افغانستان می‌پذیرد و نه برای زمانی بیشتر. این امر آشکارا حاکی از این بود که روسیه، چین و جمهوری های آسیای مرکزی مایلند در کنار هم و در چارچوب سازمان همکاری شانگهای مسئولیت امنیت منطقه را بر عهده گیرند. اوج موضع گیری ضد آمریکایی در بیانیه پایانی اجلاس سران در سال ۲۰۰۶ قابل مشاهده است. در این بیانیه آمده است که کشورهای آسیای مرکزی، می‌بایست راه های توسعه را بر اساس نیازها و منافع خود برگزینند. تنوع تمدنی و مدل های توسعه می‌بایست مورد توجه و حمایت قرار گیرد. تفاوتها در سنت های فرهنگی، سیستم های سیاسی و اجتماعی، ارزش ها و نیز مدل های شکل گرفته در طول تاریخ نباید بهانه ای برای دخالت در امور داخلی دیگر کشورها تلقی گردد. سازمان همکاری شانگهای مشارکتی سازنده در برقراری ساختار امنیتی جدید جهانی بر مبنای اعتماد متقابل، منافع، مساوات و احترام متقابل خواهد داشت. تعیین روش ها و مکانیسم های تضمین امنیت منطقه، حق و مسئولیتی است که صرفاً به کشورهای منطقه مربوط می‌شود. مشخصه اصلی اجلاس ۲۰۰۶ تحکیم ابعاد امنیتی بود و اعلامیه امضاء شده روندی به سوی تقویت منافع امنیتی را نشان می‌دهد و بیان شد که تعیین ابزارهای خاص برای حفظ امنیت کامل منطقه، حق و مسئولیت



---

کشورهای منطقه است و سازمان همکاری شانگهای کمک سازنده‌ای به ایجاد معماری جدید امنیت جهانی خواهد کرد. ( دویودی، ۱۳۸۵: ۱۴۶)

در بحث مخالفت اعضای سازمان با حضور و نفوذ آمریکا در منطقه باید به این نکته اساسی توجه کرد که رویکرد و دلیل مخالفت کشورهای عضو با نفوذ آمریکا در منطقه یکسان نیست. در حالی که دو کشور قدرتمند سازمان ( روسیه و چین) نفس حضور و نفوذ آمریکا را تهدیدی استراتژیک برای خود محسوب می‌کنند و معتقدند این امر باعث محدود شدن فضای استراتژیک و حوزه نفوذ آنها می‌شود، چهار کشور کوچکتر سازمان ( ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان)، اگرچه به دنبال ایجاد توازن بین آمریکا و محور روسیه\_ چین هستند ولی به دو دلیل با حضور و نفوذ آمریکا مخالفت می‌کنند: ۱) وابستگی اقتصادی، سیاسی و امنیتی این کشورها به روسیه که در اکثر موارد باعث پیروی آنها از سیاست‌های مسکو می‌شود. ۲) نگرانی از دخالت آمریکا در تغییر رژیم‌های منطقه<sup>۱</sup> و جایگزینی آنها با رژیم‌های طرفدار غرب.

چین و روسیه به رغم همکاری با آمریکا در مبارزه علیه تروریسم، نگران نفوذ و احتمال حضور دایمی این کشور در منطقه هستند. روسیه تمایل دائمی برای بازیابی نفوذ خود در منطقه دارد و آسیای مرکزی را به عنوان منطقه حایل در طول مرزهای جنوبی خود قلمداد می‌کند و بر اساس یک استراتژی دفاع در جلو بر این باور است که دفاع از مرزهای روسیه از مرزهای کشورهای مستقل مشترک المنافع آغاز می‌گردد. ( شفییعی و محمودی، ۱۳۸۶: ۱۳۴) از این رو سعی می‌کند با تحکیم پیوندهای اقتصادی و نظامی با این کشورها با گسترش ناتو به شرق مقابله کند. چین نیز از گسترش حضور و نفوذ آمریکا در امتداد مرزهای خود نگران بوده و از این واژه دارد که در محاصره استراتژیک آمریکا قرار گیرد. ( Snyder, 2008: 17) با این وجود دو کشور نسبت به حضور پایگاه‌های آمریکا و ناتو در منطقه و جنگ علیه تروریسم اعلام رضایت نموده‌اند؛ چرا که هیچیک از دو کشور توان بر عهده گرفتن این وظیفه را به تنهایی نداشتند. یکی از کارشناسان سیاست خارجی چین معتقد است: حضور و نفوذ آمریکا در منطقه، اتحاد و همکاری چین و روسیه را تضمین می‌کند و کشورهای منطقه هیچیک به طور کامل ارزش‌های آمریکایی را نخواهند پذیرفت. اما از سوی دیگر، آمریکا برای موفقیت خود در جنگ علیه تروریسم، نیازمند حمایت روسیه و چین و همچنین سازمان همکاری

---

<sup>۱</sup>. Regime Change

---

شانگهای می‌باشد. (Oldberg, 2007:30) با توجه به دلایل مطرح شده، می‌توان به برخی از مواضع سازمان که در جهت خلاف منافع آمریکا طرح و تفسیر می‌شود، صحنه گذاشت. البته باید اذعان نمود، سازمان همکاری شانگهای به یک اتحادیه ضد آمریکایی صریح تبدیل نخواهد شد؛ زیرا اعضای آن در حال حاضر تمایل و قدرت تقابل و رویایی مستقیم با آمریکا را ندارند. به دیگر سخن به عقیده تحلیلگران از نظر دیپلماتیک برای چین یا روسیه مصلحت نیست که در قالب سازمان شانگهای بخواهند درگیر یک برنامه سیاسی به وضوح ضد آمریکایی شوند. (White, 2005: 29)

در مقابل اظهارات اعضای سازمان همکاری شانگهای در خصوص سیاست‌های ایالات متحده، آگاهی از نقطه نظرات آمریکایی‌ها در قبال این سازمان نیز مسئله‌ای قابل تامل می‌باشد. از منظر آمریکایی‌ها، سازمان همکاری شانگهای متشکل از اعضای با حکومت‌های اقتدارگرا است که تحت رهبری و کنترل دو قدرت اتمی یعنی چین و روسیه قرار دارد. قدرت این سازمان که یک چهارم جمعیت جهان را در بر گرفته - به خصوص با گسترش احساسات ضد آمریکایی در منطقه - زنگ‌های خطر را برای آمریکا به صدا درآورده است. برخی تحلیلگران آمریکایی سازمان همکاری شانگهای را در حد اتحاد مقدس اتریش، پروس و روسیه در ۱۸۱۵ میلادی که یک اتحاد محافظه‌کار و ضد لیبرال بود ارزیابی کرده‌اند. برخی دیگر نیز این سازمان را یک پیمان ورشو مدرن تلقی می‌کنند که در صدد کاهش نفوذ جهانی آمریکا می‌باشد و مقابله با توسعه‌طلبی این کشور را در آسیای مرکزی و خاورمیانه هدف خود قرار داده است. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۱۷)

در مجموع و با عنایت به آن چه در خصوص ایجاد اعتماد متقابل، برابری، لزوم حل مسالمت‌آمیز اختلافات و حذف گزینه جنگ در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای وجود دارد و همچنین معضلات امنیتی که به طور مشترک امنیت ملی اعضاء را در معرض مخاطره قرار می‌دهد و نیز مخالفت آشکارا با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و حضور و نفوذ امنیتی - سیاسی آن در منطقه آسیای مرکزی می‌توان شاهد حرکت سازمان همکاری شانگهای به سوی جامعه امن و ترتیبات حاکم بر آن بود. حال باید دانست که جامعه امن موجود در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای ویژگی جوامع امن سفت پیوند را دارا است یا جوامع امن سست پیوند؟

## بهره سوم: سازمان همکاری شانگهای؛ جامعه امن سفت پیوند یا سست پیوند؟

همان‌گونه که اشاره شد، آدلر و بارنت به دو گونه جامعه امن معتقدند؛ نوع اول، جوامع امن سست پیوند که دولت‌ها در آن صرفاً فعالیت‌های مشترکی را انجام می‌دهند و برای همکاری خود قواعد رویه‌ای خاصی ایجاد می‌کنند. نوع دوم، جوامع امن سفت پیوند که در آن شبکه‌های نهادی به تدریج توسعه می‌یابند، اعتماد متقابل افزایش می‌یابد، مفاهیم اخلاقی، اهداف، هویت و هنجارهای مشترک شکل می‌گیرند و در ادامه، این هنجارها جامعه امن را قوام می‌دهند، حدود آن را مشخص می‌سازند، چارچوبی برای تعاملات معنی‌دار در اختیار اعضای آن جامعه قرار می‌دهند تا جامعه امن در شکل دادن به هویت‌ها و منافع اعضای خود مؤثرتر عمل کند. همزمان با تکوین جنبه‌های هویتی در یک جامعه امن، این هویت‌ها به اعضای جامعه می‌فهمانند چه کسانی هستند، آنها را به سوی اهداف و اصول مشترک جامعه هدایت می‌کنند و در شکل‌گیری منافع هر بازیگر و انتخاب ابزارهای تامین منافع که به مشروعیت آن باور دارند، نقش مهمی ایفا می‌کنند. حال در جوامع امن سفت پیوند است که دولت‌ها از هویت‌ها، ساختارهای حکومتی و علایق مشترک برخوردارند و علاوه بر پذیرش هنجارهای مشترک در میان اعضای خود، حتی می‌توانند دولت‌های بیرونی را نیز به پذیرش هنجارها و ایده‌های خود و عمل به آنها ترغیب نمایند. اما جامعه سست پیوند صرفاً ابزاری برای تسهیل همکاری بین دولت‌های عضو آن می‌باشد و هنجارهای این جامعه حتی در میان اعضای خود آن جامعه نیز به ندرت فراگیر می‌شود چه برسد به دولت‌های غیر عضو؛ حتی می‌توان ادعا کرد که در یک جامعه امن سست پیوند ارزش‌ها، منافع و هنجارهای مشترک تنها بین نخبگان دولت‌های عضو به وجود آمده است و هویت جمعی به معنای آن چه در جامعه امن سفت پیوند است، وجود ندارد. گفتنی است، مسائل مربوط به هویت به طور کلی موجب تشکیل مرزهای اجتماعی نیز می‌شود که این مرزها دولت‌های بیرونی و درونی جامعه امن را از هم جدا می‌کنند به طوری که دولت‌ها می‌آموزند رابطه آنها با اعضای این جامعه باید متفاوت از رابطه آنها با دولت‌های غیر عضو بیرونی باشد. اینجا است که جوامع امن سست پیوند بر ایده حفظ مرزهای داخلی بین دولت‌ها تاکید می‌کنند در نتیجه جامعه امن تاثیر اندکی بر کیفیت مرزهای داخلی یا خارجی آنها خواهد داشت. این در حالی است که در یک جامعه امن سفت پیوند اهمیت مرزهای میان دولت‌های عضو روزبه‌روز کمرنگ‌تر می‌شود.

---

در مجموع و با توجه به موارد مذکور، می‌توان سازمان همکاری شانگهای را یک جامعه امن سست‌پیوند نامید. این سازمان به جای این که با توجه به هویت‌های مشترک شکل بگیرد، بر قواعد مشترکی استوار است که بیشتر برای مدیریت روابط بین دولت‌ها به خصوص روسیه و چین (با توجه به این که دو کشور مذکور تاثیرگذارترین و قدرتمندترین اعضاء سازمان هستند) مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این جا منظور از هویت مشترک، هویتی است که در شکل‌گیری هویت تک تک بازیگران تعیین‌کننده باشد. در ضمن از آنجا که کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به سه حوزه متفاوت تمدن اسلامی، بودایی و روسی تعلق دارند، عدم انسجام در این سازمان امری محتمل می‌باشد. هم‌چنین لزوم پیروی از هنجارهای مشترک در این سازمان تنها بین نخبگان دولت‌های عضو مطرح شده است و میان ساکنان این کشورها از عمق چندانی برخوردار نبوده و درونی نشده است. به عبارت بهتر فقدان روابط و مبادلات بین سازمان‌های غیردولتی اعضا، نشانگر این است که روابط بین اعضاء صرفاً در حد دولتی باقی مانده و فاقد حمایت گسترده عمومی است. (Snyder, 2008: 19) و همگرایی و منطقه‌گرایی توسط رژیم‌های شخصیتی تعیین می‌شود نه بر اساس خواست جوامع. هم‌چنین می‌توان از شکاف‌های هویتی در میان ملت‌های کشورهای عضو به عنوان آشکارترین نمونه در خصوص مشکلات نضج و گسترش هویت‌های جمعی در سازمان همکاری شانگهای نام برد. به عنوان مثال در چین اویغورها و در روسیه نیز چچنی‌ها تکوین هویت مشترک در خود جغرافیای دو کشور را با مشکل مواجه نموده‌اند. حال که در خود کشورهای عضو معضل جدایی‌طلبی و عدم انسجام هویتی وجود دارد، چگونه می‌توان شاهد شکل‌گیری هویتی مشترک - به مانند آن چه در جوامع امن سفت‌پیوند وجود دارد- در سطح سازمان همکاری شانگهای و میان کشورهای عضو بود؟

همان‌گونه که تحلیلگران دستیابی به انتظارات معقول و نه بیشتر را ویژگی جوامع امن سست‌پیوند می‌دانند در روابط میان اعضای سازمان همکاری شانگهای - به عنوان جامعه امن سست‌پیوند- نیز این مسئله را می‌توان مشاهده نمود. وجود ملاحظات و اختلافاتی نظیر مناقشه هند و پاکستان، نارضایتی کشورهای آسیای مرکزی از پاکستان به دلیل حمایت اسلام‌آباد از طالبان، خصومت میان چین و هند، نقش هند در ممانعت از عضویت چین در سارک و متقابلاً نقش چین در عدم پذیرش هند به عنوان عضو اصلی در سازمان همکاری شانگهای، واهمه هند از واقع شدن در حلقه محاصره استراتژیک توسط چین

---

به دلیل اهتمام پکن در توسعه زیربنای اقتصادی آسیای مرکزی، آسیای جنوب غربی و جنوبی، رقابت روسیه و چین، اختلاف مواضع روسیه و جمهوری اسلامی ایران در خصوص دریای خزر، نگرانی از روابط رو به گسترش هند و آمریکا (نورلینگ، ۱۳۸۵: ۸۹-۸۸) موجب اخلاف در شکل‌گیری یک هویت مشترک در میان اعضای اصلی و ناظر سازمان می‌شود. برخی کارشناسان برآنند که سازمان با توجه به اختلافات درونی بین اعضا، چندان یک‌دست نیست. در این راستا فردریک استار معتقد است، عدم تقارن در سازمان همکاری‌های شانگهای موجب شده است که روسیه حق دولت‌ها را برای اتخاذ تصمیمات مستقل نپذیرد. وی همچنین معتقد است که تمام حکومت‌های مستقل شده از شوروی پیشین در آسیای مرکزی به دنبال توازن بین قدرت‌های آسیایی هستند. آنها مایل نیستند، توسط هیچ کشوری کنترل شوند. (Scheineson, 2009) شواهدی نیز برای اثبات این مدعا که اختلافات درونی بین اعضا سازمان وجود دارد که مطرح شده است؛ در اجلاس ۲۰۰۸ شانگهای در دوشنبه، روسیه شاهد برخی مواضع تند اعضا در جهت خلاف منافع مسکو بود که مهمترین آن عدم تایید عملیات نظامی روسیه در گرجستان و شناسایی استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی توسط اعضای سازمان بود. اگرچه هیچیک از کشورهای سازمان مانند غرب و آمریکا حمله نظامی روسیه به گرجستان را محکوم نکردند، اما هیچیک نیز از این عملیات حمایت نکردند. (Katz, 2008: 184) همچنین روابط قرقیزستان و روسیه نیز در اوایل ۲۰۰۸ دچار تنش شد. برخلاف امید مسکو در مورد تصمیم بیشکک برای خروج نیروهای آمریکا از آن کشور، احساسات ضد روسی در قرقیزستان نسبت به حضور نیروهای روسی تشدید شد که پارلمان قرقیزستان نیز با تصویب یک قطعنامه درباره یادبود قربانیان شورش ۱۹۱۶ که توسط نیروهای تزار به قتل رسیده بودند به این احساسات دامن زد. همچنین اختلافاتی بین روسیه و قزاقستان در مورد گرجستان وجود دارد. در حالی که روسیه حمایت خود را از جدایی‌طلبان آبخازیا و اوستیای جنوبی افزایش داده است، آستانه روابط تجاری خود را گرجستان گسترش داده و تصمیم به مشارکت در پروژه خط لوله باکو\_جیحان دارد که به جای روسیه از گرجستان می‌گذرد. (Katz, 2008: 186)

بنابراین مشاهده می‌شود به‌رغم این که کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای اعلام کردند که گزینه جنگ و برخورد نظامی را از روابط فی‌مابین حذف نموده‌اند و به تقلیل نیروهای نظامی خود در مرزها پرداختند، اما آنها نتوانسته‌اند اعتماد متقابل، مفاهیم اخلاقی،

---

اهداف، هویت و هنجارهای مشترک را در میان خود افزایش دهند. لذا جامعه امنیتی میان آنها نمی‌تواند از سنخ جامعه امن سفت‌پیوند باشد.

### بهره چهارم: سازمان همکاری شانگهای به مثابه جامعه امنیتی نوظهور

همان‌گونه که اشاره شد هر کدام از انواع جوامع امنیتی سفت‌پیوند و سست‌پیوند دارای سه مرحله متفاوت از توسعه و ترقی قرار دارند: جامعه نوظهور، بالنده و بالغ. در جوامع امن نوظهور دولت‌ها تدابیر و اقدامات اولیه را در راستای برآورد شیوه همکاری برای افزایش امنیت دو جانبه، کاهش هزینه تعاملات یا ایجاد توان بالقوه برای تعاملات بیشتر در آینده اتخاذ می‌کنند. در این نوع از جوامع وجود یک دشمن مشترک یا تهدید مشترک عاملی عمده و تاثیرگذار در حرکت دولت‌ها به سوی همکاری و ایجاد جامعه امن می‌باشد. جوامع بالنده که به عنوان دومین مرحله از مراحل جوامع امن سست‌پیوند و سفت‌پیوند شناخته شده‌اند با تاسیس تشکیلات و سازمان‌های جدیدی که گاهی نیز منعکس‌کننده همکاری‌های فزاینده نظامی می‌باشند، موجب کاهش تهدید از سوی دیگران می‌شوند و اعتماد اعضا به یکدیگر را تعمیق می‌بخشند. در این مرحله است که هویت‌های جمعی تکوین می‌یابند. در جوامع امن بالغ، تعاملات و هویت‌های مشترک میان کشورهای عضو شکل گرفته است، قواعد رفتاری موجود در بطن این جامعه از سوی دولت‌های عضو آن درونی و نهادینه شده است و همیاری و مشورت بین اعضا آن به صورت یک عادت درمی‌آید. سازمان‌های فراملی موجود در این جوامع می‌توانند قواعدی را وضع کنند و دانش اجتماعی مورد قبول عموم را به وجود آورند. (بلامی، ۱۳۸۶: ۲۶) با توجه به ویژگی‌های مطرح شده، می‌توان سازمان همکاری شانگهای را در مرحله جوامع امن نوظهور قرار داد. با عنایت به این انگاره که در جوامع امن نوظهور، دولت‌ها اقدامات اولیه را در راستای گسترش همکاری‌ها جهت افزایش امنیت متقابل انجام می‌دهند و در پی ایجاد توان بالقوه تعاملات بیشتر در آینده می‌باشند، می‌توان شاهد پی‌گیری همین اهداف در سازمان همکاری شانگهای نیز بود. با توجه به آن چه زهانگ، دبیر کل سازمان همکاری شانگهای از آن تحت عنوان روح شانگهای<sup>۱</sup> یاد می‌کند، گسترش و تعمیق برداشت مشترک از امنیت، احترام به تنوع تمدنی، اعتماد دو جانبه، برابری ([www.secsco.org](http://www.secsco.org))، ممنوعیت مداخله در امور داخلی یکدیگر و احترام به

---

<sup>۱</sup>. Shanghai Spirit

---

اصل حاکمیت به موضوعی مورد توافق میان اعضای سازمان تبدیل شده است. (Amberosio, 2008: 1328) در همین راستا بیلیس بیان می‌دارد که رشد سازمان همکاری شانگهای با توجه به اصول مذکور سریعتر از هر سازمان مشابه دیگری تاکنون بوده است و سنخ روابط اعضاء در قالب معادله غیر صفر<sup>1</sup> جای می‌گیرد. در حقیقت این سازمان توانسته است به اتحاد امنیتی چند جانبه‌ای که در ثبات و امنیت منطقه نقش به‌سزایی ایفا می‌کند دست یابد و به عنوان محل گفتگو برای کاهش احتمالی برخورد مستقیم و نظامی در محیط بعد از جنگ سرد عمل کند. (Oksuz, 2009: 721) لذا می‌توان گفت، سازمان همکاری شانگهای تا حدود زیادی به اهداف اولیه خود مبنی بر اجتناب از درگیری و تلاش برای روابط مسالمت‌آمیز میان اعضاء رسیده است و می‌توان توازن ورودی و خروجی سازمان را به عنوان یک نهاد مثبت ارزیابی کرد. (Bailes, Baranovsky, Dunay, 2007: 190)

از دیگر ویژگی‌های جوامع امن نوظهور که می‌توان آن را به سازمان همکاری شانگهای نیز تسری داد وجود یک دشمن مشترک یا تهدید مشترک است که به عنوان عاملی مؤثر در ایجاد جامعه امن و رشد ایده همکاری میان دولت‌ها محسوب می‌شود. حفظ ثبات منطقه‌ای از طریق مبارزه با سه نیروی شیطان‌ی تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی، تجارت مواد مخدر و اسلحه و جنایات سازمان‌یافته، نگرانی از ناامنی و بی‌ثباتی‌های داخلی در کشورها و به ویژه وقوع انقلاب‌های رنگی و تقابل با نفوذ و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا به عنوان تهدیدات و دغدغه‌های امنیتی مشترک اعضای سازمان مطرح می‌باشد. اما همان‌گونه که اشاره شد، برداشت و موضع‌گیری‌های کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در قبال موضوع حضور و نفوذ آمریکا در منطقه از شدت و ضعف برخوردار می‌باشد. در مجموع، دلایل حضور سازمان همکاری شانگهای در مرحله جامعه امن نوظهور و عدم حرکت آن به سمت جوامع امن بالنده و بالغ را می‌توان به سه دسته منافع متعارض، مشکلات ساختاری و محدودیت‌های سازمانی تقسیم کرد.

### الف) منافع متعارض

منافع متعارض به عنوان مهم‌ترین عامل حضور سازمان همکاری شانگهای در جامعه امن نوظهور و مانعی بزرگ بر سر راه حرکت آن به سوی جوامع امن بالنده و بالغ

---

<sup>1</sup>. Non Zero Sum Game

---

---

است که می‌توان آن را در سه سطح منازعات مرزی، توزیع منابع آبی و نگرانی‌های امنیتی نسبت به نیات یکدیگر بررسی نمود.

**منازعات مرزی:** اولین مشکل میان اعضای سازمان از منازعات مرزی ناشی می‌شود. سازمان شانگهای پنج که با هدف حل منازعات مرزی تشکیل شده بود به رغم اینکه توانست به اختلافات مرزی چین با کشورهای روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان و همچنین اختلافات مرزی قزاقستان با قرقیزستان پایان دهد، اما سازمان همکاری شانگهای هنوز نتوانسته است، اختلافات مرزی بین قزاقستان\_ ازبکستان، تاجیکستان\_ ازبکستان و اختلافات مربوط به دریاچه آرال با ذخایر غنی نفت و گاز را مرتفع نماید. (Oldberg,2007:35)

**توزیع منابع آبی:** مشکل دیگر بر سر راه تعمیق همکاری‌ها در کشورهای عضو سازمان، مسئله توزیع منابع آبی است. با توجه به این که اقتصاد منطقه بر کشاورزی به ویژه محصولات نظیر برنج و پنبه که نیاز شدیدی به آبیاری دارند مبتنی است، تامین منابع آبی از مهمترین مشکلات این منطقه محسوب می‌گردد. کشورهای آسیای مرکزی اقداماتی برای ایجاد چارچوب‌های همکاری در زمینه توزیع منابع آبی نموده‌اند از جمله تشکیل صندوق بین‌المللی حفاظت از دریاچه آرال و کمیسیون بین‌دولتی هماهنگ‌سازی آب ولیکن هیچکدام از این تلاش‌ها در حل مسئله آب در منطقه موفق نبوده است. دولت‌های منطقه هر ساله توافقنامه‌هایی در زمینه تامین و توزیع آب به امضا می‌رسانند، اما هیچکدام از آنها به مرحله اجرا نمی‌رسند. این در حالی است که در چارچوب سازمان همکاری شانگهای اقدامات چندانی در جهت رفع این معضل صورت نگرفته است. اگرچه گفتگوهای در اجلاس ۲۰۰۷ شانگهای در بیشکک در مورد همکاری در منابع آبی صورت گرفت، اما اعضای قدرتمند سازمان، پرداختن به مسئله موجود میان اعضاء کوچکتر را چندان ضروری نمی‌دانند. (Azarkan,2010:413)

**نگرانی‌های امنیتی نسبت به نیات یکدیگر:** سطح سوم تضاد منافع در سازمان مربوط به منافع بعضاً متعارض چین و روسیه در منطقه و نیز نگرانی کشورهای آسیای مرکزی از تسلط چین و روسیه بر منطقه و در نتیجه تلاش آنها برای ایجاد توازن بین چین و روسیه از یک طرف و برقراری توازن میان چین\_ روسیه با آمریکا از طرف دیگر می‌باشد که نمود آشکار آن را می‌توان در سیاست خارجی چند وجهی کشورهای منطقه مشاهده نمود. مواردی نظیر تلاش ازبکستان برای فاصله گرفتن از نهادهای روسیه محور در منطقه و



---

پیوستن به اتحادیه‌هایی مانند گوام<sup>۱</sup> در این راستا قابل تعبیر است. اما به دنبال حوادث اندیجان و انتقاد واشنگتن از تاشکند، مقامات ازبکستان خواستار خروج نیروهای آمریکا از خاک کشورشان شدند و در ادامه از اتحادیه گوام خارج شده و مجدداً عضو سازمان پیمان امنیت جمعی<sup>۲</sup> شدند و یک پیمان همکاری دوجانبه با روسیه امضاء کردند. قزاقستان نیز اجازه استفاده آمریکا از پایگاه هوایی خود جهت مبارزه با تروریست‌ها را صادر نمود و یک نیروی کوچک حافظ صلح به عراق اعزام کرد. در همین راستا، نظربایف در مورد سیاست خارجی چند وجهی کشور خود خاطر نشان می‌سازد که همکاری ما با آمریکا هرگز علیه روسیه نخواهد بود و همکاری با روسیه و چین هرگز علیه آمریکا و غرب نخواهد بود. قرقیزستان نیز اگرچه از اعلامیه ۲۰۰۵ سازمان همکاری شانگهای در خصوص لزوم ارائه برنامه زمانی برای خروج آمریکا از منطقه حمایت کرد، اما از اقدام ازبکستان در بیرون کردن نیروهای آمریکایی پیروی نکرد و حتی هواپیماهای آمریکایی را ازبکستان به بیشکک منتقل کرد. به رغم فشارهای روسیه و چین برای خارج ساختن نیروهای آمریکا از این کشور، قرقیزستان در ۲۰۰۶ یک موافقتنامه جدید برای اعطای پایگاه به آمریکا با آن کشور امضاء کرد. (Oldberg, 2007:37) اما بی شک تعارض منافع چین و روسیه \_ در راستای اختلافات کشورهای عضو سازمان شانگهای \_ نیز موضوعی غیر قابل انکار است. به عقیده فردریک استار، عدم تقارن اساسی در سازمان این است که چین حق دولت‌ها را برای اتخاذ تصمیمات مستقل می‌پذیرد ... اما روسیه نه (Scheineson, 2009). چرا که با توجه به مزیت‌های اقتصادی چین، این امر می‌تواند کاهش نفوذ روسیه در منطقه را در پی داشته باشد. از این‌رو روسیه، نگران گسترش نفوذ چین در منطقه است. ارتباط تجاری چین با منطقه - حدود ۹۰۰ میلیون دلار در سال - نشان می‌دهد که چین به دنبال اهداف ژئوپلیتیکی در منطقه است و مسکو سعی می‌کند از طریق سازمان همکاری شانگهای فعالیتهای پکن را در منطقه را کنترل نماید. در همین راستا، معاون وزیر خارجه روسیه در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد که روسیه حضور نظامی هیچ کشوری حتی چین را در منطقه نمی‌پذیرد. (Oldberg, 2007:27)

---

<sup>1</sup> - GUUAM

<sup>2</sup> - The Collective Security Treaty Organization (CSTO)

---

مشکلات ساختاری به عنوان دومین دلیل عدم انسجام سازمان همکاری شانگهای و باقی ماندن آن در حالت جامعه امن نوظهور می‌باشد که در زیر به بررسی آن می‌پردازیم.

### ب) مشکلات ساختاری

مشکلات ساختاری را می‌توان در سه متغیر بررسی کرد: اختلاف سطح قدرت میان اعضاء، رژیم‌های اقتدارگرا و بی‌ثبات، وجود سازمان‌های موازی با سازمان همکاری شانگهای در منطقه.

**اختلاف سطح قدرت میان اعضاء:** اولین و مهمترین مشکل ساختاری سازمان مربوط به اختلاف سطح قدرت میان اعضاء است که خود باعث بروز نگرانی‌های امنیتی در بین آنها شده است. اختلاف سطح قدرت درون سازمان را می‌توان در دو سطح بررسی کرد. سطح اول مربوط به اختلاف سطح قدرت در بین چهار کشور آسیای مرکزی است. ازبکستان به عنوان پرجمعیت‌ترین و مهمترین کشور منطقه، هیچ مرز مشترکی با روسیه و چین ندارد و دنبال کسب نقش رهبری منطقه‌ای است. انتقال مرکز فرماندهی ساختار ضد تروریستی منطقه‌ای از بیشکک به تاشکند و تعیین یک فرمانده ازبک برای آن، نشان از نقش محوری ازبکستان در منطقه و در مبارزه علیه تروریسم دارد. قرقیزستان، قزاقستان و تاجیکستان، رفتارهای سلطه‌گرانه و احتمال تسلط آن کشور بر منطقه را مهمترین تهدید خارجی خود می‌دانند و این امر باعث تمایل آنها به شکل‌گیری فرایندهای منطقه‌گرایی می‌شود. از این رو قرقیزستان، قزاقستان و تاجیکستان پیوستن به سازمان همکاری شانگهای را جهت ایجاد توازن در برابر رفتار تهاجمی ازبکستان سودمند یافتند. (Azarkan, 2010: 415) سطح دوم اختلاف قدرت در درون سازمان، مربوط به اختلاف میزان قدرت بین دو کشور بزرگ روسیه و چین با چهار کشور آسیای مرکزی است. در این سطح از یک طرف، چهار کشور آسیای مرکزی نگران گسترش نفوذ و تسلط چین و روسیه بر این کشورها هستند. از آن جایی که تمام حکومت‌های مستقل شده از شوروی پیشین در آسیای مرکزی مایل نیستند توسط هیچ کشوری کنترل شوند، این کشورها علاوه بر این که سعی دارند از طریق سازمان همکاری شانگهای بین چین و روسیه توازن برقرار کنند، به دنبال این هستند بین آمریکا و محور چین-روسیه توازن برقرار کنند. از طرف دیگر نوعی اختلاف میزان قدرت بین چین و روسیه وجود دارد که باعث گسترش نگرانی روسیه از گسترش نفوذ اقتصادی چین در

---

منطقه و حتی خود روسیه شده است. (Katz,2008:184) این امر باعث می‌شود که روسیه موقعیت برتر سیاسی و اقتصادی خود را در منطقه از دست دهد. امتیاز اصلی روسیه نسبت به چین در منطقه تسلط روسیه بر منابع انرژی منطقه است، اما گسترش روابط چین با منطقه در حوزه انرژی از طریق روابط دوجانبه به ویژه با قزاقستان و ازبکستان، امتیاز روسیه را در منطقه به تحلیل می‌برد و با معکوس کردن روابط قدرت، باعث تسلط چین بر منطقه می‌شود. البته نگرانی از گسترش نفوذ چین در منطقه منحصر به روسیه نبوده و کشورهای آسیای مرکزی همچنین نگران چین هستند؛ سرمایه‌گذاری گسترده چین در آسیای مرکزی به ویژه در قزاقستان و پرداخت بهای بیشتر از قیمت بازار برای دستیابی به منابع نفتی منطقه و توسعه شبکه حمل و نقل و تلاش برای پیگیری همکاری گسترده منطقه‌ای، اگرچه منافع زیادی برای کشورهای منطقه دارد و می‌تواند باعث شکوفایی اقتصادی آنها شود، اما در مقابل وابستگی آنها به چین را در پی دارد. (Azarkan,2010:415)

**رژیم‌های اقتدارگرا و بی‌ثبات: دومین مشکل ساختاری سازمان همکاری شانگهای**  
مربوط به رژیم‌های اقتدارگرا و بی‌ثبات عضو سازمان است. به اعتقاد بیلز، بارانوسکی و دانی (2007:189)، مهمترین ضعف سازمان مربوط به بی‌ثباتی کلی اعضای سازمان است که سعی در جلوگیری از تغییر و مقابله با تهدیدات از طریق سرکوب دارند. حوادث ۲۰۰۵ اندیجان نشان داد که این روش‌ها باعث موفقیت انفجارهای سیاسی در بلند مدت با تبعات مهم منطقه‌ای می‌شود. سازمان همکاری شانگهای برای اینکه نقش مؤثری در برخورد با چالش‌های بنیادین منطقه داشته باشد، باید به سازمانی تبدیل شود که صرفاً نماینده رهبران کشورها نباشد. به عبارتی پیروی از هنجارهای مشترک در این سازمان تنها بین نخبگان دولت‌های عضو مطرح شده است و میان ساکنان این کشورها از عمق چندانی برخوردار نبوده و درونی نشده است و همگرایی و منطقه‌گرایی توسط رژیم‌های شخصیتی تعیین می‌شود نه بر اساس خواست جوامع.

**وجود سازمان‌های موازی با سازمان همکاری شانگهای در منطقه: سومین مشکل ساختاری سازمان، وجود سازمان‌های موازی با آن در منطقه است. (دویودی، ۱۳۸۵: ۱۵۲)**  
سازمان‌هایی مانند:

۱) سازمان پیمان امنیت جمعی که توسط روسیه، بلاروس، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان تاسیس شد که با پیوستن ازبکستان تقویت شده است. هدف

---

---

سازمان پیمان امنیت جمعی ایجاد همکاری دفاعی بیشتر میان اعضاء، مقابله با انقلاب‌های رنگین تحت حمایت غرب است. این سازمان دارای نیروی استقرار سریع در بیشکک و پایگاه‌های نظامی در قرقیزستان و تاجیکستان می‌باشد. حضور نظامی گسترده روسیه گذشته از دفع جنگ طالبان، نمایش قدرت این کشور می‌باشد. اما سازمان همکاری شانگهای بخش نظامی را تنها جهت مقابله با بازیگران غیردولتی و مبارزه با سه نیروی شیطنانی دارد.

۲) جامعه اقتصادی اوراسیا با حضور روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان.

۳) جامعه کشورهای مشترک‌المنافع که دارای ساختارها و اهداف مشابه با سازمان همکاری شانگهای است.

سومین عامل حضور سازمان همکاری شانگهای در مرحله جامعه امن نوظهور، محدودیت‌های سازمانی است که در زیر به بررسی آن می‌پردازیم.

### ج) محدودیت‌های سازمانی

محدودیت‌های سازمانی را در سه موضوع عدم احتساب سازمان همکاری شانگهای به عنوان پیمان دفاع دسته جمعی، موضوعات متعدد و متنوع در دستور کار سازمان، اولویت روابط دوجانبه به روابط چندجانبه در درون سازمان تحلیل می‌نماییم.

- عدم احتساب سازمان همکاری شانگهای به عنوان پیمان دفاع دسته جمعی:

سازمان همکاری شانگهای یک موجودیت جدید می‌باشد که مبتنی بر مکانیسم ملاقات سران است. رهبران سازمان و مفسران منکر آن هستند سازمان همکاری شانگهای، یک سازمان با جنبه‌های الزام آور مانند اتحادیه، پیمان نظامی یا یک دفاع دسته‌جمعی باشد. چنانچه پوتین در مصاحبه خبری، احتمال عملیات نظامی و دفاعی مشترک مانند ناتو را در سازمان همکاری شانگهای، غیر محتمل دانست و نقش امنیتی سازمان را به حمایت سیاسی از اعضاء منحصر کرد. (Oldberg, 2007: 21) اما این حمایت سیاسی سازمان از اعضاء بی‌قید و شرط نیست، چنانچه اعضاء از اقدام روسیه در حمله به گرجستان در سال ۲۰۰۸ حمایت نکردند زیرا این اقدام روسیه را باعث زیر پا گذاشتن اهداف سازمان مبنی بر

---

---

جلوگیری از جدایی طلبی و لزوم مشورت با اعضاء بود که باعث رنجش کشورهای عضو شده بود.

- موضوعات متعدد و متنوع در دستور کار سازمان همکاری شانگهای: دومین عامل در محدودیت‌های سازمانی، موضوعات متعدد و متنوع در دستور کار سازمان است که طیف متنوعی از موضوعات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود. چنانچه به عقیده واتسون، ماموریت کلی سازمان همچنان نامشخص است. این امر علاوه بر اینکه باعث عدم تمرکز سازمان در اهداف خود می‌شود، احتمال تضاد را در اجرای اهداف زیاد می‌کند. (واتسون، ۱۳۸۵: ۱۶۸)

- اولویت روابط دوجانبه به روابط چندجانبه در درون سازمان: سومین محدودیت سازمان، اولویت روابط دوجانبه به روابط چندجانبه در درون سازمان است. بسیاری از توافقات سازمان ابتدا بصورت دوجانبه تعیین می‌شود، سپس به صورت جمعی تصویب می‌گردد. به رغم تلاش برای گسترش همکاری‌های اقتصادی در درون سازمان تاکنون هیچکدام از پروژه‌های مشترک به بهره‌برداری نرسیده است. تمام گزارش‌های ارائه شده در مورد همکاری‌های اقتصادی فقط به پروژه‌های دوجانبه و چندجانبه اشاره می‌کنند که فقط از این جهت مربوط به سازمان هستند که اعضاء آن در پروژه‌ها مشارکت دارند، اما این پروژه‌ها حتی با فرض عدم وجود سازمان نیز قابل اجرا بوده است. (Lukin, 2007) به طور مثال در مورد همکاری در زمینه انرژی که مهمترین حوزه همکاری اقتصادی اعضاء است، سازمان تاکنون موفق به ایجاد یک ارگان مهم منطقه‌ای نشده است و همکاری‌های انرژی منطقه عمدتاً در خارج از چارچوب سازمان صورت می‌گیرد. روسیه موافقتنامه‌ای با همسایگان خود در آسیای مرکزی برای ساختن دو خط لوله گاز امضاء کرده است و دیپلماسی انرژی چین نیز بصورت روابط دوجانبه است. تلاش رقابتی چین و روسیه برای تضمین حضور خود در منطقه مانع مهمی برای گسترش همکاری‌های سازمان در زمینه انرژی است. (Scheineson, 2009)

بر اساس موارد مذکور می‌توان گفت که کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نتوانسته‌اند که به طور کامل به حل معمای امنیتی میان خود نائل شوند و کماکان بر اساس برداشت‌های واقع‌گرایی، نگران افزایش قدرت و نفوذ دیگری در مقایسه با خود هستند و در راه ایجاد هویت مشترک در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای با مشکلات عدیده‌ای

---

---

مواجه می‌باشند. کوتاه سخن این که اعضاء سازمان همکاری شانگهای تاکنون توانسته‌اند صرفاً به قواعد مشترک رفتاری و انتظارات معقول در روابط خود با یکدیگر از طریق منشور و بیانیه‌ها دست یابند، اما مسائل سیاسی و امنیتی ذکر شده بین آنها مانع از نضج و گسترش هویت‌های جمعی در سازمان همکاری شانگهای و حرکت آن به سوی جوامع امن بالنده و بالغ می‌شود.

### نتیجه‌گیری

پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی و دورنمای مبهم نظام جدید بین‌المللی، اتخاذ تصمیم و ایجاد مکانیزم‌هایی جهت تدوین قواعدی جدید و شکل دادن به نظام بین‌المللی به منظور کسب حداکثر منافع را ضروری ساخت. در این میان، تکوین سازمان همکاری شانگهای مهمترین ساز و کار ایجاد توازن در منافع کشورهای عضو آن بود که همه آنها را در مقابل تهدیدات مشترک حفظ و برای ایجاد صلح و توسعه همکاری‌ها در منطقه ترغیب نمود. بنیان سازمان همکاری شانگهای به اتفاق آراء معتقدند که ایجاد و توسعه این سازمان به منظور تأمین نیازهای مردم منطقه و تمایل آنها به صلح و بهبود شرایط پس از جنگ سرد می‌باشد. این سازمان پس از تاسیس با توجه به مسائل و اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر صلح و ثبات منطقه‌ای، مسائل مرزی اعضاء، تروریسم تکامل و رشد داشته است.

با توجه به آن چه گفته شد، سازمان همکاری شانگهای توانست با حذف گزینه جنگ از روابط میان اعضاء نوعی از جامعه امن را در میان آنها به وجود آورد. با تمرکز سازمان بر نگرانی‌های امنیتی مشترک اعضاء مانند مبارزه با شرهای سه‌گانه تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گرایی، تجارت مواد مخدر و اسلحه و جنایات سازمان‌یافته، نگرانی از ناامنی و بی‌ثباتی‌های داخلی و به ویژه وقوع انقلاب‌های رنگی در کشورها و تقابل با نفوذ و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا این جامعه امن بیش از پیش تحکیم و تقویت گردید. سازمان همکاری شانگهای انعطاف خود را با رشد سریع و ایجاد شبکه‌ها و مکانیسم‌های جدید نشان داده است. مسایل جدید همچنان در دستور کار آن ظاهر می‌شوند، همچنین تمایل برخی دولت‌ها برای پیوستن به آن نشان از امکان تداوم آن دارد. بنابراین صرف‌نظر از عقاید و توصیف‌های متفاوت تحلیلگران از سازمان همکاری شانگهای - برخی آن را به عنوان یک

---

---

سازمان امنیتی، برخی دیگر یک گردهمایی اقتصادی منطقه‌ای و سایرین آن را صرفاً یک اتحاد ضد تروریستی معرفی می‌کنند- شکل‌گیری جامعه امنیتی در میان اعضای آن امری آشکار است. با این حال ماهیت و سنخ روابط کشورهای عضو سازمان به گونه‌ای است که اطلاق جامعه امنیتی سفت پیوند به آن صحیح نمی‌باشد چرا که برخی اختلافات در میان کشورهای عضو سازمان و نیز وجود تعارضات قومی و فرهنگی در داخل این کشورها، مانع از شکل‌گیری هویت مشترک- به عنوان مؤثرترین عنصر در جامعه امن سفت پیوند- شده است و این سازمان را در جزو جامعه امن سست پیوند قرار داده است. سازمان همکاری شانگهای در حال حاضر در مرحله جوامع امن نوظهور قرار دارد؛ زیرا این سازمان در مراحل اولیه عمر خود می‌باشد و دولت‌های عضو گام‌های نخست همکاری جهت افزایش امنیت و کاهش هزینه تعاملات را برداشته‌اند. تنها در پرتو فائق آمدن بر مشکلات و اختلافات اعضا سازمان است که می‌توان دورنمایی از گسترش هر چه بیشتر همکاری‌ها و حرکت این جامعه امن نوظهور به سمت مراحل جوامع امن بالنده و بالغ ترسیم نمود. به دیگر سخن با رفع منافع متعارض اعضای سازمان (منزاعات مرزی، توزیع منابع آبی و نگرانی‌های امنیتی نسبت به نیات یکدیگر)، مشکلات ساختاری (اختلاف سطح قدرت میان اعضا، رژیم‌های اقتدارگرا و بی‌ثبات، وجود سازمان‌های موازی با سازمان همکاری شانگهای در منطقه) و محدودیت‌های سازمانی (عدم احتساب سازمان همکاری شانگهای به عنوان پیمان دفاع دسته‌جمعی، موضوعات متعدد و متنوع در دستور کار سازمان، اولویت روابط دوجانبه به روابط چندجانبه در درون سازمان) می‌توان شاهد جهش سازمان همکاری شانگهای از مرحله جامعه امن نوظهور به سمت جوامع امن بالنده و بالغ بود.

## منابع و مأخذ

۱. اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۸۵)، "سازمان همکاری شانگهای: اهمیت ژئواستراتژیک"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۵.
۲. بلامی، الکس. جی (۱۳۸۶)، "جوامع امن و همسایگان" مترجمان: محمود یزدان فام و پریسا کریمی نیا، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. بوهر، آنت (۱۳۸۳)، "همکاری منطقه‌ای و ژئوپلیتیک جدید در آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۴۵.
۴. دویودی، راماکانت (۱۳۸۵)، "سازمان همکاری شانگهای: تقویت مشارکت برای همکاری منطقه‌ای"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۵.
۵. رحمان، خالد (۱۳۸۵)، "سازمان همکاری شانگهای: چشم اندازها و فرصت‌ها"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۵.
۶. زاهدی انارکی، مجتبی (۱۳۸۵)، "سازمان همکاری شانگهای از تئوری تا عمل"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۵.
۷. شفیع، نوذر (۱۳۸۵)، "سازمان همکاری شانگهای و نسل سوم منطقه گرایسی در آسیا"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهاردهم، دوره چهارم، شماره ۵۳.
۸. شفیع، نوذر و زهرا محمودی (۱۳۸۶)، "رویکرد روسیه پوتین در قبال گسترش ناتو به شرق"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۹.
۹. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، "تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل"، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. نورلینگ، نیکلاس (۱۳۸۵)، "تجارت و سازمان همکاری شانگهای"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۵.
۱۱. واتسون، گرگ (۱۳۸۵)، "سازمان همکاری شانگهای: امنیت ایران در قرن بیست و یکم"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۵.

12. Ambrosio, Thomas(2008), "Catching the Shanghai Spirit: How the Shanghai Cooperation Organization Promotes Authoritarian Norms in Central Asia". EUROPE-ASIA STUDIES. 60(8).

13. Azarkan, Ezeli (2010). "The Interests of the Central Asian States and the Shanghai Cooperation Organization ". Ege Academic Review.10 (1).

14. Bailes, Alyson J.K, Baranovsky, Vladimir & Dunay, Pal ( 2007). "Regional Security Cooperation in the Former Soviet Area". It's available at: <http://yearbook2007.sipri.org/files/YB0704.pdf>



- 
- 
15. Blank, Stephen.(2006), "**China and Shanghai Cooperation Organization at Five**", China Brief, Vol.6, Issue 13, June 21, 2006. in [www.Jamestown.org](http://www.Jamestown.org).
  16. Katz, Mark N .( 2008), "**Russia and The Shanghai Cooperation Organization: Moscow's Lonely Road from Bishkek to Dushanbe**". Aslan Perspective. 32(3): 183-187.
  17. Lukin,Alexander.(2007), "**The Shanghai Cooperation Organization: What Next?** " Russian in Global Affairs.No.2 Its available at: <http://eng.globalaffairs.ru/numbers/20/1135.html>
  18. Oksuz, Suat (2009), "**An Emerging Powerhouse in Eurasian Geopolitics : The Shanghai Six** ". Ege Academic Review. 9 (2).
  19. Oldberg, Ingmar (2007), "**The Shanghai Cooperation Organization: Power house or Paper Tiger?**" Its Available at: <http://www.foi.se/rapp/foir2301.pdf>.
  20. Radyuhin,Vladimir( 2000), "**India May Join Shanghai Five**", [www.india server.com](http://www.india-server.com)
  21. Scheineson, Andrew (2009), "**The Shanghai Cooperation Organization**". Its Available at: [http://www.cfr.org/publication/10883/shanghai\\_cooperation\\_organization.html?breadcrumb=%2Fpublication%2Fby\\_type%2Feduca](http://www.cfr.org/publication/10883/shanghai_cooperation_organization.html?breadcrumb=%2Fpublication%2Fby_type%2Feduca)
  22. Snyder, Michael (2008), "**The Shanghai Cooperation Organization**". Its available at: <http://sjeaa.stanford.edu/journal81/CE2.pdf>
  23. Tao, Xu(2002), "**Promoting Shanghai Five Spirit for Regional Cooperation**", Contemporary International Relation, Vol. 11, No.5, China Institute of Contemporary International Relations.
  24. White, Alexander(2005), "**Guiding the Near Abroad- Russia and the Shanghai Cooperation Organization**", CEF Quarterly: the Journal of the China-Eurasia Forum, special edition.
  25. [www.sectsco.org/html/01006.html](http://www.sectsco.org/html/01006.html).